

- سلسله گفتگوها پیرامون نشر و فرهنگ / گفتگوی هفدهم با محمدجواد مظفر: انتشارات کویر و نشر سیاسی در ایران / به کوشش: عبدالحسین آذرنگ، علی دهباشی با همکاری طوبی ساطعی

سلسله گفت و گوها پیرامون نشر و فرهنگ

- یکم: عبدالرحیم جعفری بنیانگذار مؤسسه انتشارات امیر کبیر (بخارا، ش ۴)
- دوم: ایرج افشار و انتشارات دانشگاهی (بخارا، ش ۵)
- سوم: بیژن ترقی، از خاندان ناشر آثار ادبی - تاریخی (بخارا، ش ۶)
- چهارم: محسن رضانی از خاندان رضانی (بخارا، ش ۷)
- پنجم: احسان نراقی و نکته‌هایی از پس پرده سانسور کتاب (بخارا، ش ۸)
- ششم: محمود علمی و علی اصغر علمی (دو نسل از میان پنج نسل ناشر، چاپگر و کتابفروش) (بخارا، ش ۹ و ۱۰)
- هفتم: محمود کاشی‌چی، ناشری در پی دگرگونی (بخارا، ش ۱۱)
- هشتم: محمود باقری: بساط، رویه دیگری از نشر و کتابفروشی مردمی (بخارا، ش ۱۲)
- نهم: داود رمضان شیرازی: بیش از نیم قرن کتابدگی (بخارا، ش ۱۳ و ۱۴)
- دهم: محسن باقرزاده: انتشارات توس، بنیاد فرهنگ ایران و نکته‌های دیگر از نشر (بخارا، ش ۱۵)
- یازدهم: جهانگیر منصور: زوایایی از انتشارات نیل و کتاب زمان (بخارا، ش ۱۶)
- دوازدهم: محمدرضا جعفری: امیر کبیر و نشر نو در دوره انتقال (بخارا، ش ۱۷)
- سیزدهم: احمد رضا احمدی: نشر مواد شنیداری برای کودکان و نوجوانان (بخارا، ش ۱۸)
- چهاردهم: علیرضا رضانی: نشر مرکز از ناشران عصر انتقال (بخارا، ش ۱۹)
- پانزدهم: رضا سیدحسینی و مصطفی رحیمی: نشر کتاب از منظری دیگر (بخارا، ش ۲۰)
- شانزدهم: کریم امامی: از کیهان، فرانکلین و سروش (بخارا، ش ۲۱ و ۲۲)
- گفت و گوهای دیگر در شماره‌های دیگر بخارا

سلسله گفت و گوها پیرامون نشر و فرهنگ

گفت و گوی مقدم با محمدجواد مظفر:
انتشارات کویر و نشر سیاسی در ایران

به کوشش عبدالحسین آذرنگ؛ علی دهباشی
با همکاری طوبی ساطعی

سخنی با نشر دوستان

نشر کتاب، به سبب پیوندهای ژرف و بسیارش با فعالیتهای گوناگون بشری، در شمار پیچیده‌ترین پدیده‌هاست؛ نشر رکن مهمی است از تاریخ فرهنگ، جامعه، اندیشه و تفکر، تاریخ روشنفکری و روشن‌اندیشی، جزئی جدایی‌ناپذیر از تاریخ نظر اجتماعی، سیاسی و پاره‌ای از پیشینه هرگونه تحوّل که با جهان معنوی و احساس و عاطفه آدمی در آمیخته است. روشن شدن تاریخ نشر، بر گوشه‌های ناپیدایی از همه اینها پرتو خواهد افکند.

هدف از این سلسله گفت‌وگوها، گشودن راه به سوی تاریخ نشر کتاب در ایران و تلاش برای مصون نگاه داشتن دانسته‌های ارزشمند از گزند فراموشی است. بخارا از همه بزرگان، پیشگامان، صاحب‌نظران، تجربه‌مندان و سایر آگاهان نشر کتاب در ایران دعوت می‌کند برای جلوگیری از فراموش شدن جنبه‌های ارزشمند نشر، و به هر نحو که مایل هستند، همکاری کنند. این بخش از بخارا در اختیار هر کسی است که به گفت‌وگو درباره زوایا و خفایای تاریخ نشر کتاب در ایران، و به ویژه پیوند آن با سیر فرهنگی کشور، علاقه‌مند است.^۱ مجله بخارا

۱- توضیح به خوانندگان: مصاحبه با آقای علی‌رضا حیدری درباره مؤسسه انتشارات خوارزمی در سلسله همین گفت و گوها مدتی است انجام گرفته و آماده است. هرگاه آقای حیدری با چاپ آن موافقت کنند، برای خوانندگان علاقه‌مند به مصاحبه‌های ناشران منتشر می‌شود - بخارا



● محمدجواد مظفر (عکس از طوبی - طلمی)

آقای محمدجواد مظفر، به گمان ما انتشارات کویر را می‌توان در مقوله «نشر سیاسی» جای داد و نشر سیاسی شاخه‌ای مهم از نشر در هر کشوری است. اگر با این تقسیم‌بندی موافق هستید، لطفاً بفرمایید که نشر کویر، به عنوان ناشر سیاسی چگونه شکل گرفت، چه هدفهایی داشت و چه خلأهایی را می‌خواست پر کند؟

— اولاً بسیار متشکرم که نشر کویر و بنده را در مجموعه گفت و گوهایی بخارا جای دادید و امیدوارم از این انتخاب پشیمان نشوید. ثانیاً تشخیص‌تان کاملاً درست است. من به لحاظ سن و سال، نیمی از عمرم را قبل از انقلاب و نیمه دیگر را بعد از آن گذرانده‌ام؛ بنابراین نوعی تاریخ شفاهی موجودم که زندگی‌ام با فعالیتهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در آمیخته است. پس طبیعی بود که بعد از انقلاب به سمت نشر، و آن هم نشری با رویکرد سیاسی، روی آورده باشم. شروع کار انتشارات کویر در سالی بود که جفای بزرگی در حق من شد.

یعنی چه سالی؟

— اسفند ماه ۱۳۶۸، سالی که قربانی کتاب شدم و آن هم کتابی که در دهمین سالگرد انقلاب، در

بهمن ۱۳۶۷ منتشر کردم، البته زیر نظر ستاد دهه فجر و تشکیلات وابسته به حکومت و جمهوری اسلامی.

موضوع کتاب چه بود؟

– عنوان کتاب یادواره فجر بود و موضوع آن گفت و گوهای من با تنی چند از سران کشور: آقایان آیت الله خامنه‌ای که در آن وقت رئیس جمهور بودند، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس، آیت الله منتظری که در آن زمان قائم مقام رهبری بودند و آیت الله موسوی اردبیلی، رئیس قوه قضائیه.

اتهام‌تان چه بود؟

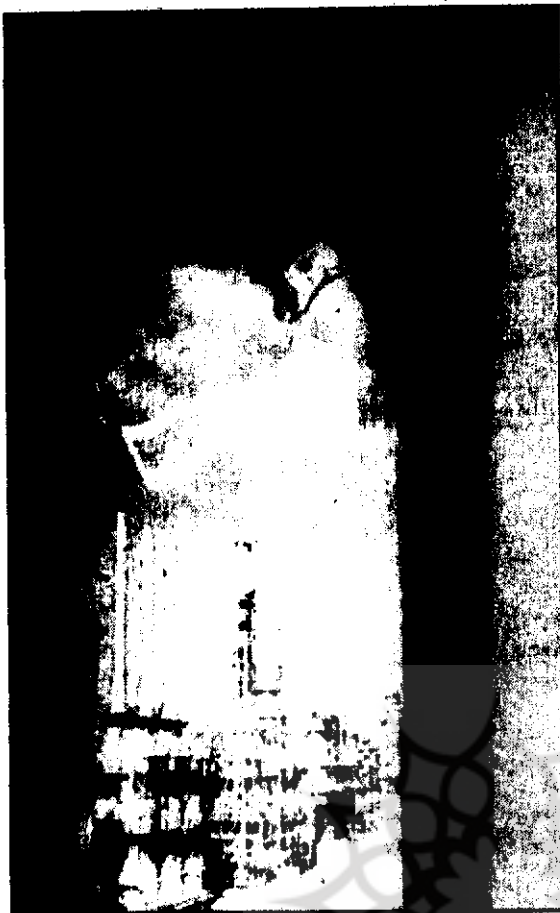
– اقدام به تبلیغ در جهت تضعیف نظام، و در ۱۳۶۸ مدت ۱۰۰ روز را در زندان گذراندم.

به چه چیزی در کتاب استناد کردند؟

– ماجرای شکل‌گیری آن کتاب بسیار جالب بود و من دو سال است که با خودم در کلنجارم ماجرا را بنویسیم و کتاب را دوباره همراه با شرح آن ماجرا منتشر کنم؛ با چاپ مجدد آن هم موافقت‌های لازم شده است، تنها به این شرط که یکی از گفت و گوها حذف شود. من هم حاضر به حذف آن نیستم، چون بسیار حائز اهمیت است و شاید پر بی راه نباشد بگویم که این کتاب نقطه عطفی در نگاه و تفکر جمهوری اسلامی است و این را نه من، بلکه تفسیرگران و تحلیلگران سیاسی دیگری نیز گفته‌اند؛ از جمله در کتاب معرکه جهان‌بینی‌ها نوشته دکتر فرهنگ رجائی آمده است که: این کتاب، نگاهی نو به تحول در جمهوری اسلامی است. این کتاب در پایان دهه اول انقلاب، از اصلاحات صریحاً سخن به میان آورده است. یکی از پرسشهای این کتاب، که سران جمهوری اسلامی به آن پاسخ گفتند، این بود که: «اگر زمان به عقب برگردد و تجربیات شما محفوظ بماند، چه کارهایی را تکرار خواهید کرد و چه کارهایی را تکرار نخواهید کرد؟» دیگر اینکه: «تجربه انقلاب اسلامی مثل بسیاری از انقلاب‌های دنیا، نشان داد که به آرمان‌های اولیه خودش نرسید، پس آیا فکر نمی‌کنید که به جای انقلاب باید به اصلاحات بیندیشیم؟» و نظایر این سئوالات که نوعی آسیب‌شناسی جدی انقلاب نیز بود. طرح این پرسشها و نیز بسی‌پردگی پاسخ‌ها، خشم عده‌ای را علیه من برانگیخت و نتیجه آن شد که دستگیر شدم و مدتی در زندان به سر بردم.

چه طور دستگیر شدید؟

– بعد از چاپ کتاب و عزل قائم مقام رهبری از اوایل فروردین ۱۳۶۸ شایع شده بود که دستگیر شده‌ام.



و هنوز نشده بودید؟

– خیر، در آن زمان مدیرکل مطبوعات و رسانه‌های خارجی در وزارت ارشاد بودم و در شورای معاونت وزارت ارشاد در زمان وزارت آقای خاتمی، به اتفاق آراء به عنوان رایزن فرهنگی ایران در بلژیک انتخاب شده بودم؛ ولی سفرم مرتباً به تعویق می‌افتاد. در تعطیلات نوروزی هر جا برای دید و بازدید می‌رفتیم، با تعجب می‌پرسیدند مگر دستگیر نشده‌ای؟ شایعه دستگیری‌ام سرانجام به واقعیت تبدیل شد و روز جمعه اول اردیبهشت مصادف با ۱۴ رمضان، آمدند و مرا دستگیر کردند.

پس از دستگیری از شما چه می‌پرسیدند؟

– دو – سه روز اول درباره کتاب یادواره فجر بود، اما بعد مسیر سؤالات تغییر کرد. ظاهراً می‌خواستند بدانند که من به جریان خاصی، مثلاً به جریانی شبیه ماجرای سیدمهدی هاشمی، وابستگی دارم یا نه. و بالاخره بر آنها ثابت شد که به هیچ جریانی وابستگی ندارم.

چه طور آزاد شدید؟

– اتهام اهانت به شش ماه حبس محکوم شدم و بعد از ۱۰۰ روز، روزی به خمسرم

گفته بودند که اصلاً وجود مظفر برای ما مشکل ساز شده است و می‌خواهیم هر چه زودتر از اینجا برویم. واقعیت این است که شماری از سران حکومت و مقامات بلندپایه، که از قدیم مرا می‌شناختند، دستگاه قضاییه را به تنگ آورده بودند و دنبال کارم بودند. این بود که یک روز صدایم کردند و گفتند لباسهایت را بپوش و برو.

از صحبت‌های شما این طور بر می‌آید که ماهیتاً سیاسی هستید، اما بفرمایید چرا نمی‌توانستید در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بمانید و به سراغ نشر رفتید، و بعد اینکه چرا به سراغ نشر سیاسی رفتید؟

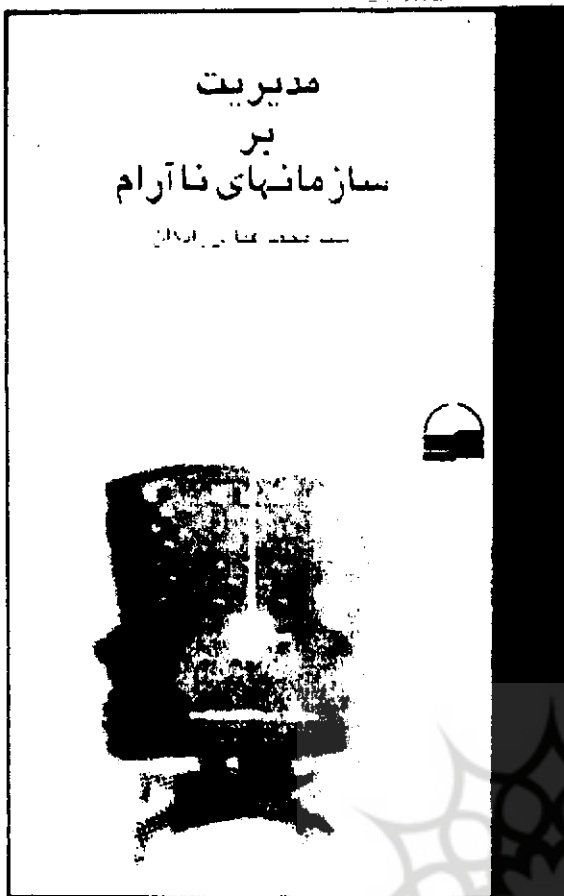
— در پایان سال ۱۳۶۸ به توصیه همسرم و با همکاری چند تن از دوستان: دکتر حاتم قادری، استاد دانشگاه تربیت مدرس و دکتر حسین زرگری‌نژاد، استاد دانشگاه تهران، انتشارات کویر را راه‌اندازی کردیم با هدف اولیه تکمیل و به ثمر رساندن کارهای خودمان، یعنی کارهای نیمه‌تمامی که داشتیم و خود من حداقل چند طرح در زمینه فرهنگ سیاسی انقلاب داشتم که باید به انجام می‌رساندم. در دانشکده وزارت خارجه که هر سه نفر ما در آنجا تدریس می‌کردیم، به ما سه تفنگدار می‌گفتند — و هر سه نفر ما به کارهای فرهنگی و انتشاراتی علاقه‌مند بودیم، توافق کردیم و پایه‌های انتشارات کویر را گذاشتیم و شروع به کار کردیم.

تعریف شما از نشر سیاسی چیست؟

— نشر سیاسی، نشری است که محور فعالیت و رویکرد آن به انتشار آثاری اختصاص می‌یابد که پیرامون حوزه‌های سیاسی (چه خصوصی، چه عمومی) است، یعنی در بحث کلاسیک و عمومی حول حوزه سیاسی بچرخد.

علم اداره قدرت یا توزیع قدرت، یکی از تعریف‌های قدیمی از سیاست است، تعریف جدیدی که شما از سیاست دارید چیست؟ اداره عمومی یعنی چه؟

— منظور من از نشر سیاسی نوعی از انتشارات است که بتواند نقش فعال تری در سرنوشت کشور داشته باشد. به نظر من همه انسان‌ها سیاسی‌اند، چه بخواهند و چه نخواهند. با اینکه بعضی‌ها می‌گویند سیاسی نیستیم، ولی در همین جمله هم نوعی موضع‌گیری سیاسی هست که به دلیل ساخت حکومت و نوع رفتاری که حکومت با شهروندان خود دارد این نوع موضع‌گیری پدید می‌آید. در انتشارات کویر تلاش داشتیم بتوانیم با انتشار آثار سیاسی به ارتقای این فکر و رشد و آگاهی اجتماعی و سیاسی کمک کنیم.



چرا اوضاع و احوال به تحقق این هدف مجال نداده و اجازه رشد افکار سیاسی را محدود کرده است؟

— در چند گفت و گو در کتاب لبخند ستیزان، به این موضوع اشاره کرده‌ام که انقلاب مسیر درستی را تا خود انقلاب آمده است و به انقلاب اسلامی و فروپاشی نظام سلطنتی در سال ۱۳۵۷ انجامیده است. اما بعد از آن آرام آرام به مسیرهای دیگر افتاده است. نقش عنصر آگاهی در انقلاب بسیار حائز اهمیت بود، اما موتور متحرک انقلاب عصر روشنفکری و آگاهی در نیمه راه متوقف شد. تلاش بسیاری از نهادهای روشنفکری در نیمه راه باز ایستاد. گسترده‌ترین سازمان موجود در ایران روحانیت بود، اما پس از انقلاب شمار روحانیون مبارز و نواندیش که در صحنه و به صورت فعال باقی ماندند، کمتر و کمتر شد. مثلاً در شهر ما شیراز پیش از انقلاب تعداد اندکی روحانی مبارز وجود داشت، بقیه خاموش و کناره‌گیر، یا سازش‌کار، یا به دربار و رژیم وصل بودند. تعداد روحانیانی که از دنیای جدید و زندگی جدید درک و برداشت داشته باشند، بسیار اندک بود و عمدتاً هم محافظه‌کار و سنت‌گرا بودند. انقلاب که شد، تقریباً کل روحانیون به عرصه انقلاب وارد شدند و به دلیل اینکه رهبری به دست مرجع تقلید مبارز، مسلط و با سابقه بود، کل روحانیت از قبل آن صاحب قدرت و نفوذ شد، اما بدنه روحانیت و یژگیهای راس هرم قدرت را نداشت.

اجازه بدهید برگردیم به بحث نشر. آیا پیش از شما ناشر سیاسی بود یا خیر؟
— بله ناشرانی بودند که از ما زودتر شروع کرده بودند. مثل انتشارات رسا (آقای ناجیان)، نشر نی (آقایان همایی، رضایی، مدرسی و دیگران). به هر حال وظیفه دارم حتی از کسانی نام ببرم که حتی ۶ ماه زودتر از ما شروع به فعالیت کردند.

بله، ولی اینکه به طور مشخص هویت شان نشر سیاسی باشد. انتشارات رسا کتابهای تاریخی و شاید غیر سیاسی هم منتشر می‌کند. شاید نتوان گفت که ماهیتاً نشر سیاسی است.

— انتشارات کویر هم از یک زمانی مسیرش تغییر کرد و سیاسی شد. مثلاً اگر شما آثار انتشارات کویر را در دهه ۱۳۶۰ ببینید، با آثار دهه ۱۳۷۰ متفاوت است و خصوصاً در نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ نشر سیاسی به گونه‌ای متفاوت از قبل است.

به نظر می‌رسد که در انتشارات کویر به مسائل روز هم توجه کردید، مثل کتاب اولین رئیس جمهور.

— فضای قبل از ۱۳۷۶، اصولاً اجازه نمی‌داد که کسی فراتر از حد و مرز تعیین شده حرکت کند. اگر امکان داشت، ما به مسائل سیاسی روز بیشتر می‌پرداختیم.

واقعاً این اجازه را نمی‌دادند؟

— حتماً نمی‌دادند. من نه تنها در زندگی غیر حرفه‌ای قبل از کار نشر قربانی کتاب شدم، بلکه در همان سال اول تاسیس انتشارات کویر یکی از کتابهای مان با ۵۰۰۰ تیراژ توقیف شد و کل سرمایه انتشارات کویر بر باد رفت.

چه کتابی بود؟

— کتابی علمی، کاملاً حوزوی و نقادانه به قلم آیت‌الله صالحی نجف آبادی. این کتاب نقدی است بر دوره سه جلدی حماسه حسینی، نوشته آیت‌الله شهید مطهری. در هر حال ۵۰۰۰ جلد کتاب به حکم حاکم شرع دادگاه روحانیت توقیف شد. پیداست ناشر نمی‌تواند مخاطره کند. بالاخره بعد از ۱۰ سال، سال پیش، در زمان وزارت آقای مهاجرانی، اجازه چاپ این کتاب صادر شد و ظرف چند ماه کتاب به چاپ دوم رسید و هیچ مشکلی پیدا نکرد. چون بحث کتاب کاملاً علمی است و من بارها در نامه‌های مختلف به وزارت ارشاد نوشته بودم که این کتاب، الگوی یک نقد علمی است.

قبل از انقلاب، نشر سیاسی به معنی اخص کلمه نبود، چون اوضاع و احوال سیاسی اجازه نمی‌داد و بعد از انقلاب باید نشر سیاسی ایجاد می‌شد، ولی عملاً ایجاد نشده بود. ناشرانی بودند که کتاب سیاسی منتشر می‌کردند، ولی ناشری نگفته محور اصلی فعالیت من، انسان سیاسی است. انسان سیاسی، اندیشه سیاسی دارد و اندیشه سیاسی زبان و وسیله انتشار می‌خواهد. قبل از شما چند ناشر و کدام ناشران، به زمینه‌های مختلف سیاسی پرداخته‌اند؟

– حتماً همین طور بوده است. خود ما هم از کاری که باید می‌شده و نشده است رنج می‌بردیم. در ضمن خلأ را هم پیدا کرده بودیم که باید پر می‌شد. موسسان انتشارات کویر هم که از آنها نام می‌برم، درباره ایجاد چنین نشری توافق نظر کامل داشتند: حسین زرگری نژاد تاریخ‌دان، دکتر حاتم قادری سیاست‌شناس، حمید هنرپور که در حال حاضر معاون شهر کتاب است، جعفر حسین زادگان که در اداره کل مطبوعات خارجی معاون بنده بود ولی حالا در صنعت مشغول فعالیت است، سیداصغر شاپوریان عضو هیأت مدیره انتشارات علمی – فرهنگی و محمدعلی انتظار المهدی که نسبت خورشاوندی با بنده دارند.

همگی الآن هم جزو سهامداران انتشارات کویر هستند؟

– خیر، هیچ کدام نیستند. فقط همسرم، خانم انتظار المهدی، که پروانه نشر به نام ایشان است با من همکاری دارد. در واقع انتشارات کویر به اعتباری نشری زنانه است و به نام ناشر زن فعالیت می‌کند. بعد از رفتن همراهم اولیّه، اول انتشارات کویر به نام ایشان ثبت شد و ایشان مدیرعامل بودند و بنده هم رئیس هیأت مدیره.

هدف امروز شما چیست و به چه سمتی حرکت می‌کنید؟

– انصافاً وضعیت کنونی ایران و خصوصاً وضعیت نشر ایران شرایط را برای طرح‌های آینده مشکل می‌کند و متأسفانه این عدم ثبات در ایران به شکل دراز مدت و طولانی، بسیاری از برنامه‌ریزی‌ها را سست و دچار مخاطره می‌کند. حالا بگذریم که عدم ثبات اصلاً فساد آفرین است و عدم آرامش و امنیت در نظام، جامعه را فاسد می‌کند. اساساً یک چیز در کار نشر کتاب دغدغه ذهنی من است: چرا ایرانی‌ها تلاش‌هایشان به ثمر نمی‌رسد؟ چرا تحولات در ایران کند و بطئی است؟ چرا خیزهای ما کوتاه و افت‌هایمان طولانی است؟ چرا به اندازه یک کیلومتر مسافت نیرو صرف می‌کنیم، اما فقط یک سانتیمتر حرکت می‌کنیم؟ اینها همه دغدغه‌های دایمی ذهن من است. آیا ریشه در ایران و ایرانیگری دارد؟ آیا این سرزمین دارای مشکلی است؟ یا



حکومت‌ها مشکل سازند و این تعامل چگونه صورت می‌گیرد؟ حوزه‌های مختلفی را در شمای کلی پیدا کرده‌ام که می‌توان روی آن کار کرد و به سمت پاسخ‌های جدید و اساسی رفت. اگر موقعیت اجازه می‌داد، علاقه‌مند بودم دربارهٔ این مباحث کتاب نوشته و منتشر شود.

آیا منظورتان این است که انتشارات کویر ناشری نیست که آثار موجود را بگیرد و چاپ کند، بلکه ناشری است که می‌خواهد پدید آورندگان مناسب را پیدا کند، به آنها سفارش تالیف بدهد، با آنها به توافق برسد و اثر را منتشر کند؟

— در ابتدای تأسیس انتشارات کویر ما ذهنیتی دور و غیر دقیق داشتیم، به این معنی که فکر می‌کردیم، نشر یک پاتوق فرهنگی است که می‌تواند عده‌ای اهل فکر و اندیشه و قلم را در خودش جای بدهد و آنها هم آثاری عرضه کنند و کار توسعه پیدا کند؛ ولی وقتی کار را شروع کردیم، متوجه شدیم نشر، نتیجه‌اش فرهنگی است، اما خودش عملی فرهنگی است. بنابراین از سال دوم به بعد، موسسان کویر اندک اندک کنار رفتند. چون دغدغه‌های فکری شرکا، کار علمی بود و نمی‌خواستند با فیلم و زینک و مرکز پخش و کاغذ و غیره درگیر شوند، بنابراین سرانجام روزی با توافقی دوستانه و صمیمانه خداحافظی کردند، رفتند و ما ماندیم و باز هم با این سؤال که: چرا روشنفکران تا کاری را شروع می‌کنند اندکی بعد تعطیل می‌شود؟ بالاخره چه

موقع باید ایستاد و مؤسسه‌ای چندین ساله به وجود آورد تا جشن یک قرن تاسیس آن گرفته شود؟ به هر حال دوستان رفتند و انتشارات کویر ادامه پیدا کرد، ولی متأسفانه مهمترین عامل، یعنی اقتصاد نشر به برنامه‌ریزی و دورنگری اجازه جولان نمی‌دهد. بنابراین در واقع انتشارات کویر، با جریان اجبار پیش می‌رود. بنابراین در پاسخ به مطلب شما باید بگویم هنوز در آغاز راه هستیم و برای برنامه‌ریزی حول این محور بعد از خرداد ۱۳۷۶، زمینه‌های اجتماعی - سیاسی فراهم شده است، ولی زمینه‌های اقتصادی خیر.

با چاپ چند کتاب ممکن است هدف کلی شما تأمین شود؟

- پاسخ به این سؤال مشکل است، به دلیل اینکه وقتی ما وارد گود بشویم ممکن است افق‌های روشن و جدیدی به سویمان گشوده شود و نادانسته‌هایمان تکمیل شود و بفهمیم چه قدر نمی‌دانیم، ولی اگر عدد و تخمین از من می‌خواهید واقعاً باید بگویم که نمی‌دانم.

چند پدید آورنده در حوزه سیاسی می‌شناسید که اگر وضعیت اقتصادی به شما اجازه می‌داد تا هزینه کتابها را تأمین کنید، می‌توانستند آثار سیاسی مدنظرتان را بنویسند؟

- تعداد بسیار محدود، فکر می‌کنم حداکثر ۵۰ نفر.

آیا این ۵۰ نفر را می‌شناسید و به توانایی‌هایشان واقف هستید؟ و آیا تبحر اینها در تالیف مطالب سیاسی است یا در ترجمه؟

- شخصاً علاقه‌مند به تالیف هستم، ولی برای مثال حجت‌الاسلام محسن کدیور عقیده دارند که ما چون از سطح جهانی عقب مانده‌ایم نیاز بیشتری به ترجمه داریم. بنابراین من زیاد حق اظهار نظر ندارم و بیشتر تابع آرای صاحب نظران هستم.

به هر حال ترجمه هم در برنامه کاری شما هست؟

- حتماً همین طور است، کما اینکه الآن تقریباً ۵۵ اثر ما تألیف است و مابقی ترجمه.

جمعاً چه تعداد کتاب منتشر کرده‌اید؟

- در قیاس با ناشران فعال، که امکاناتی هم داشته‌اند، ما ناشر فعالی نبوده‌ایم. دلیلش هم ۱۱۰ عنوان کتابی است که از اولین کتاب در بهمن ۱۳۶۹ تا به حال به چاپ رسانده‌ایم. یعنی تقریباً

سالی ۱۱ عنوان، البته غیر از تجدید چاپ‌ها.

مقدار قابل توجهی از کتاب‌های ما موجود نیست، و بعضی هم به چاپ پنجم و ششم یا دوم و سوم رسیده است.

الآن چند کتاب در جریان آماده‌سازی و انتشار دارید؟

— ما در سال ۱۳۸۰، خیلی با احتیاط حرکت می‌کنیم، ولی به هر حال چون ناشر هستیم نمی‌توانیم کار را متوقف کنیم. اولاً به این کار عشق می‌ورزیم. در نمایشگاه کتاب ۱۳۷۴، هنگامی که مقام رهبری از غرفه انتشارات کویر بازدید می‌کردند به ایشان گفتم «نشر، کار عشق و جنون است». ایشان پرسیدند «حالا شما از کدام دسته هستید؟» گفتم «به جنون مطلق رسیده‌ام، چون مثل کیمیاگری شده‌ایم که طلا را مس می‌کند». ایشان پرسیدند: «چه طور؟»، گفتم: «تمامی اجزای کتاب در بازار، با یک تلفن مثل زر خرید و فروش می‌شود، اعم از کاغذ، مقوا، فیلم، زینک، اما بعد از اینکه این اجزاء کتاب شد، باید با خواری آن را توزیع و با ذلت پولش را جمع کنیم.» با همه این مشکلات، ناگزیر به ادامه این راه هستیم و نمی‌توانیم آن را رها کنیم. هم عشق می‌ورزیم، هم رنج می‌کشیم. و در پاسخ شما باید بگویم در حال حاضر حدود ۲۰ عنوان کتاب در جریان آماده‌سازی داریم.

آیا تمام این ۲۰ عنوان، سیاسی است؟

— عمدتاً به بحث‌های سیاسی مربوط است. مثلاً کتابی که همین روزها وارد بازار خواهد شد، به نام اصلاح طلبان ناکام، از منوچهر کدیور.

این کتاب که کاملاً سیاسی است؟

— بله، ولی کتابهای دیگری هم هست که در حوزه کلاسیک سیاسی است، مثل مجموعه‌ای پنج جلدی با عنوان حکمت و سیاست در ایران نخستین سده‌های اسلامی، که امیدوارم آن را منتشر کنیم. مجموعه‌ای از ۴۸ مقاله هم هست که ویراستار آن محمد زنجانی اصل است. کتاب دیگری که احتمالاً جنجالی خواهد شد ممیزی کتاب است. پژوهشی در ۱۴۰۰ سند ممیزی شده کتاب در سال ۱۳۷۵، از دکتر احمد رجب‌زاده در ۶۳۰ صفحه قطع وزیری. این کتاب چاپ شده است.

از صحبت‌های شما این‌طور برداشت می‌شود که در عین حال امیدوارید و هدفمند



حرکت می‌کنید. می‌خواهم بپرسم مهمترین واکنش اجتماعی - سیاسی که طی ۱۰ - ۱۲ سال گذشته با آن رو به‌رو شده‌اید از بابت چه کتابهایی بوده است؟

- سه کتاب در انتشارات کویر با مهمترین واکنشها رو به‌رو شده است. اولین کتاب همان حماسه حسینی در نقد آثار آیت‌الله شهید مطهری بود و به همین دلیل در میان روحانیون سنت‌گرا سر و صدا به راه انداخت. نویسنده آن کتاب از ذخایر عالم روحانیت و از روشنفکران دینی ایران است. کتاب اولین رئیس جمهور در نمایشگاه کتاب ۱۳۷۸ فروش فوق‌العاده‌ای داشت و در همان سال به چاپ چهارم رسید. بازتاب آن چنان بود که از سوی تمامی گرایش‌ها با تأیید و جانب‌داری رو به‌رو شد. دکتر سیدعلی رضا بهشتی، فرزند آیت‌الله شهید بهشتی، که عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس در رشته علوم سیاسی است، از انتشار این کتاب بسیار استقبال کرد و در کتابی به نام شریعتی، روشنگری در مسیر شدن، که از سوی دفتر نشر آثار شهید بهشتی منتشر شده است، به نقل از اولین رئیس جمهور برخی از نظریات مرحوم بهشتی را درباره شریعتی نقل کرده‌اند. جلال‌الدین فارسی هم بعد از چاپ این کتاب، کتاب خودشان را به من هدیه کردند. و مطلبی که می‌خواهم برای اولین بار رسماً اعلام کنم، اینکه خود آقای ابوالحسن بنی‌صدر به وسیله فاکس از انتشار این کتاب تشکر کرد. بخارا می‌تواند اولین نشریه‌ای باشد که این خبر را چاپ می‌کند. همچنین مهندس میرحسین موسوی، دکتر عبدالکریم سروش، آیت‌الله حائری شیرازی و دیگران که واکنش همه آنها مایه خوشحالی و سرور من شد.

کاملاً قابل فهم است. هر ناشری از واکنش انگیزه می‌گیرد.

– در سال ۱۳۷۸ انگار که به شیر زیان تبدیل شده بودیم، شاد و مسرور؛ اول اینکه کتاب خودم منتشر شده بود و آرزوی اولیه تأسیس انتشارات کویر تحقیق پیدا کرده بود. بعد هم انتشارات کویر چنان مورد توجه مردم قرار گرفته بود که می‌توانست نشانه موفقیت ما در نشر باشد.

و سومین کتاب کدام بود؟

– کتاب سوم، امسال تا تیغ توقیف پیش رفت، به نام خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی، که چاپ اول آن در بهمن ۱۳۷۹ منتشر شد و ظرف دو ماه ۳۰۰۰ نسخه آن به فروش رفت.

علت استقبال چه بود؟

– خودم هم حیرت کردم، اگر می‌دانستم چنین است، چاپ اول را در ۱۰/۰۰۰ نسخه چاپ می‌کردم. فکر نمی‌کردم جامعه تا این حد حساس باشد و این طور واکنش نشان دهد.

نسبت به چه حساس بود؟

– احتمالاً دلیل این واکنش نباید چیزی جز نقادی تند، گزنده و صریح از وضعیت روحانیت در زمان نویسنده باشد.

شیخ ابراهیم زنجانی در چه دوره‌های زندگی می‌کرد؟

– در دوره مشروطه. در مجلس‌های اول تا چهارم، دو دوره نماینده مردم زنجان و دو دوره نماینده مردم تبریز بود و مدتی هم ریاست اوقاف و مدرسه ادب را به عهده داشت و ضمناً او عضو لژ بیداری نیز بود.

مگر فراماسون بود؟

– بله، او به فراماسونری پیوسته بود. البته در دوره مشروطه، تلقی او و امثال او از فراماسونری، نوعی روشنگری و روشنفکری بود. ولی واکنش زیادی که این کتاب پرانگیخت ربطی به شخصیت نویسنده ندارد و در واقع به محتوای کتاب مربوط می‌شود. کتاب، لحنی تند و گزنده دارد. در ضمن شیخ ابراهیم حاکم شرع دادگاه شیخ فضل‌الله نوری بوده و حکم اعدام شیخ را صادر کرده است.

سند این کتاب چگونه به دست شما رسید؟

– نسخه خطی این کتاب در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. حدود ۱۰ سال پیش، این نسخه را به کمک دکتر زرگری نژاد دیدم و مدتها تحت تأثیر آن بودم. سالها پیش به توصیه یکی از استادان بنام، که میخواستند شهادت مرا تخمین بزنند، آن را در برنامه انتشاراتی قرار دادم. البته ناگفته نماند که اگر شجاعت خسرو طالبزاده در وزارت ارشاد نبود، نشر کتاب و آزادی قلم در این کشور رشد نمی کرد. همین جا لازم می دانم بارها و بارها از بابت چتر حمایتی که این مرد بر سر چاپ و نشر مملکت باز کرد، تشکر کنم. پس از انتشار کتاب، نزدیک به شب عید، از وزارت ارشاد تلفن زدند که مجوزتان لغو شده و کتابها باید جمع شود.

آیا این فشار از جانب روحانیت وارد آمده بود؟

– بله، شدیداً، ولی خسرو طالبزاده گفت اگر مقدمه ای به ابتدای کتاب اضافه کنید، می توانید مجوز چاپ دوم را بگیرید. طبق دستور مقدمه ای در ۱۶ صفحه نوشتیم و به این ترتیب توانستیم کتاب را به روز سوم نمایشگاه کتاب برسانیم. جالب است بدانید که عده ای از مسئولان و دست اندرکاران، تا جایی که اطلاع مستقیم دارم، تعطیلات نوروز را مشغول مطالعه این کتاب بودند. پس از سه روز فروش کتاب در نمایشگاه، ناگهان آمدند و نسخه ها را شمردند و همگی را توقیف کردند. بنابراین از ۵۰۰۰ نسخه تیراژ کتاب، ۲۶۰۰ جلد آن توزیع و فروخته، و بقیه توقیف شد.

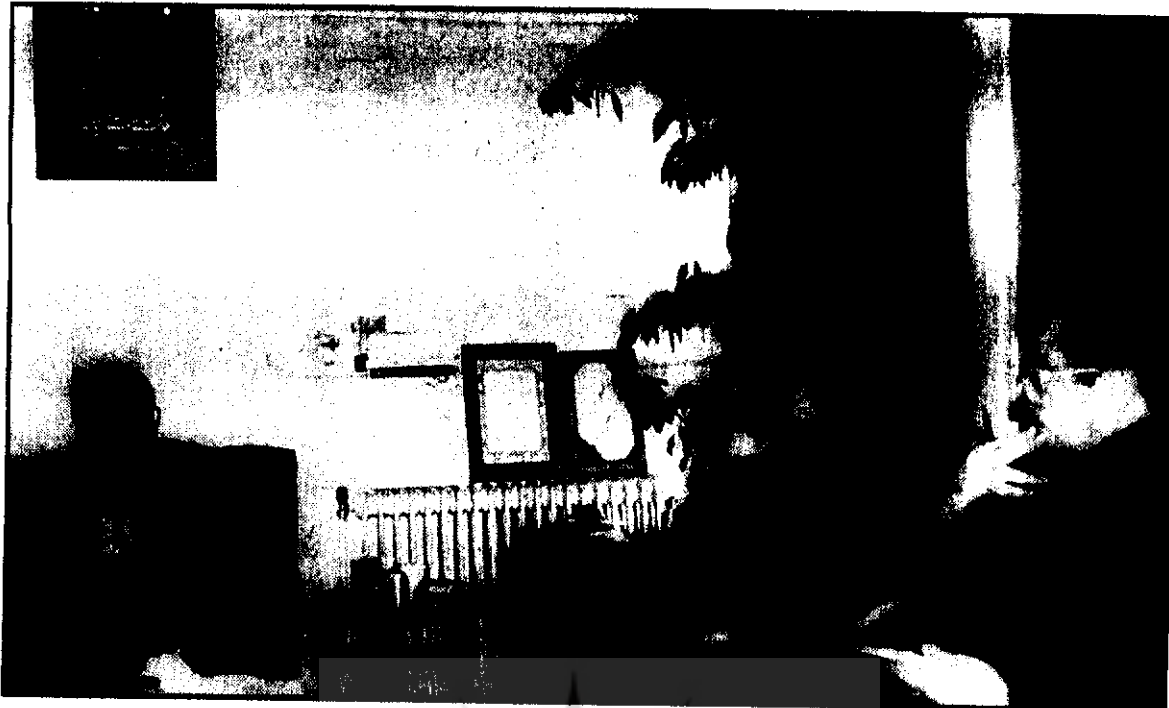
و ظاهراً امیدی به چاپ مجدد آن نیست؟

– بله، فعلاً اجازه چاپ نداده اند، ولی مطمئن هستم که اگر اجازه چاپ مجدد گرفته بودیم، تا حالا کتاب چندین بار به تجدید چاپ می رسید.

آیا شما با ناشران خارجی که در حوزه سیاست کار می کنند آشنا هستید و کارهایشان را دنبال می کنید؟

– نه به آن صورت، بلکه از ناشران خارجی هر اثری که به نظرمان جالب باشد، بررسی و دنبال می کنیم.

به طور مشخص می توانید از ناشری خارجی نام ببرید که کارهایش را بیشتر دنبال می کنید؟



● دهباشی - آذرننگ و محمدجواد مظفر مدیر انتشارات کویر

- انتشارات راتلج انتشارات بسیار خوبی است و برای ذکر بقیه اسامی، الآن حضور ذهن ندارم.

اگر امکانش را داشته باشید، دوست دارید مثل کدام ناشر خارجی کار کنید؟

- دلم می‌خواهد موسسه نشر ما به مؤسسه‌ای مؤلف آثار تبدیل شود، یعنی ناشر پدید آورنده باشد و ناشر در حوزه‌های مختلف.

حُب این خواست امکانات دسترسی به شبکه‌ها و اطلاعات و گردآوری و سازماندهی منابع اطلاعاتی را می‌طلبد تا بتوانید ناشری که می‌خواهید باشید.

- بله، و دلیل دیگر اینکه انتشارات کویر در سال اول تأسیس و فعالیت خود، صاحب تعداد زیادی عنوان کتاب شد، ولی بزرگ نشد و رشد نکرد، در خودم - محمد جواد مظفر - است، چون تمایل من بیشتر این است که نویسنده باشم تا ناشر.

پس چرا کنار نمی‌روید تا هم انتشارات کویر را نجات دهید و هم کتابهای خودتان را؟

- چون با کنار رفتن من، انتشارات کویر عملاً تعطیل خواهد شد.

چرا تعطیل؟ با آمدن مشاوران جدید در انتشارات کویر، هم نشر کار خودش را انجام خواهد داد و هم شما به عنوان نویسنده آزاد می‌شوید و به کارهای خودتان بهتر و بیشتر می‌رسید.

– حقیقت این است که مشکلات دیگری هم در کار است. همسرم اصلاً مخالف ادامه کار نشر است و اعتقاد دارد انتشارات کویر زندگی مان را از بین برده است. بعد از یک عمر زندگی انباری پر از کتاب داریم و انبانی خالی. در زندگی شخصی چیزی نداریم و هنوز اجاره نشین هستیم.

در حوزه نشر خیلی هستند که وضعی شبیه شما را دارند.

– البته که هستند، و هر قدر از امکانات دولتی و رانت خواری دورتر باشند، همین وضع خواهد بود.

یکی از ناشران موفق به ما گفت که بعد از سالها فعالیت در نشر، تازه همین پارسال صاحب خانه شده است.

– شاید جز دو ناشر بزرگ که با استفاده از امکانات مالی خانوادگی توانسته‌اند دوام بیاورند، بقیه به نوعی گرفتاراند.

کدام ناشران را موفق می‌دانید؟

– اسم ببرم؟

بله لطفاً اسم ببرید. چون می‌خواهیم نشر را نقد کنیم. تعداد زیادی ناشر جوان وارد صحنه شده‌اند و تعداد زیادی نیز می‌خواهند وارد صحنه بشوند و الگوها در نشر برایشان بسیار مهم است. بسیاری از ناشران جوان و تازه کار فریب می‌خورند، عده‌ای زندگی‌هایشان را بر باد می‌دهند، اگر که واقعیت نشر را نشناسند.

– کاملاً درست است. در حوزه نزدیک به نشر کویر، سه ناشر را موافق می‌دانم: نشر مرکز، نشر نی و طرح نو.

موفقیت آنها را در چه می‌دانید؟

– اینها توانستند خود را به عنوان ناشر مطرح در جامعه معرفی کنند، هم از نظر نظام دولتی و هم از نظر جامعه اهل کتاب. آثاری که از این سه ناشر منتشر می‌شود، کتابهای خوبی است و آنها

حقوق زن

از آغاز تا امروز

نای. بن. سمیرن
مترجم کیمی خورسند

۱۵۱

با توجه به خصوصی بودنشان، در طول سال نسبتاً تعداد قابل توجهی کتاب منتشر می‌کنند که البته برای ناشر خصوصی کار مشکلی است.

آقای علیرضا رضانی مدیر نشر مرکز در گفت و گو با ما گفت اگر واقعه سال ۱۳۷۶ اتفاق نیافتاده بود، نشر مرکز نابود شده بود، چون حدود صد و اندی از کتابهای ایشان در ممیزی متوقف شده بود. *تال جامع علوم انسانی*
- بله، آقای رضانی عمده‌ترین مشکل را با سانسور داشت.

از ناشران قدیمی، کدامیک موفق‌تر بوده‌اند؟

- انتشارات رسا بعد از انقلاب تاسیس شده، ولی در سالهای قبل از انقلاب، آقای ناجیان مدیر این انتشارات یکی از مهمترین ناشران بوده است و آثاری که منتشر کرده از مهمترین کتابهاست. همچنین انتشارات طهوری، که در استقامت و پایداری و حفظ هویت خود قابل تقدیر است...

که البته تعداد عناوین زیادی ندارد. دیگر کدام ناشر را موفق می‌دانید؟

- انتشارات چاپخش، ناشر سیاسی قابل توجهی است. شرکت سنهامی انتشار، که در نوجوانی

تحت تأثیر کتابهای آنها بودم و همچنان پا برجاست، ناشر با اهمیتی است.

آیا شما نشر کتاب در ایران را گرفتار بحران می‌دانید؟

— بله، در حقیقت ما تولیدکننده کالایی مظلوم و مهجور و بی‌مشتري یا کم‌مشتري به نام کتاب هستیم. نشر گرفتار دور باطل است: می‌گوییم کتاب گران است، چون تیراژ پایین است و خریدار می‌گوید کتاب نمی‌خریم، چون گران است. بنابراین، این دور ادامه دارد و همچنان بحران را تشدید می‌کند. اگر تیراژ کتاب به جای ۲۰۰۰، به ۳۰/۰۰۰ می‌رسید، قیمت کتاب چیزی حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش می‌یافت.

به نظر شما راه بیرون رفتن از این دور باطل و شکستن این طلسم چیست؟

— در کوتاه مدت که ممکن نیست. شاید حتی در میان مدت هم ممکن نباشد. به سرنوشتی محتوم دچار شده‌ایم و نمی‌توانیم بنابر دلایلی که ریشه در فرهنگ جامعه و فرهنگ شفاهی ما دارد از آن خارج شویم. روشنفکران ما بیشتر از اینکه کاری مکتوب ارائه دهند، حرف‌ها هستند و مردم ما بیشتر شفاهی تربیت شده‌اند.

آیا فرهنگ کتبی هنوز جای فرهنگ شفاهی را نگرفته است؟

— یکی این، و دیگری اینکه به جرأت می‌توانم ادعا کنم هزاران هزار تحصیلکره ما از لیسانس تا دکترا، حتی سالی یک جلد کتاب هم نمی‌خوانند. با هم که تعارف نداریم. زبان فارسی در دنیا در تکلم و کتابت بسیار محدود است. علاوه بر این، با وجود ۷۰ میلیون جمعیتی که به زبان فارسی تکلم می‌کنند، نه تکنولوژی برتر داریم که جهان به واسطه دستاوردهایمان به ما توجه کند و نه تولیدکننده فکر و اندیشه برتریم. بعد از انقلاب ادعاهایی شد که می‌خواهیم به جهان معنویت ببخشیم و از این حرفها، ولی تولید فکری و معنوی مان در این سالها نشان می‌دهد که این ادعا تا چه حد به واقعیت رسیده است. در این ۲۳ سال حتی نتوانسته‌ایم یک تئوری مثلاً در زمینه انسان‌شناسی ارائه دهیم که دنیا بپذیرد. ما گرفتار بازاری محدود هستیم و در عین حال فرصت‌هایی را هم از دست داده‌ایم. چندی پیش در ملاقاتی با وزیر آموزش و پرورش به ایشان گفتم که آموزش و پرورش باید این مسئله را درک کند که آموزش واقعی بچه‌ها حتی از مرحله پیش دبستانی شروع می‌شود و معلم به جای اینکه سر کلاس بیاید و تنها درس بدهد، باید بچه‌ها را به متون مختلف و تهیه گزارش براساس کتابها و منابع مختلف علاقه‌مند کند. بدین معنی که کودک از آغاز با محیط اطراف خود به طریق مکتوب ارتباط برقرار کند — بخواند و

بنویسد. در جهان، تحولی در آموزش رخ داده است. اگر بخواهیم کودکان و جوانانمان را با منابع محدود، و طبعاً افکار محدود، در مدارس بار بیاوریم، هیچ تحولی در کشور اتفاق نخواهد افتاد. ایجاد محدودیت در آموزش و پرورش، بازار بسیار گسترده و فعالی را به روی نشر کتاب در کشور می‌بندد.

انحصار کتابهای درسی؟

– انحصار کتاب درسی باید بشکند و نشر کتابهای درسی باید دوباره طراحی بشود. این نشر باید میان ناشران توزیع شود. سابق هم ناشران در چاپ و تولید کتابهای درسی سهمی داشتند. برای ورود کتاب به آموزش و پرورش و مدارس باید به دژی تسخیرناپذیر نفوذ کرد که فعلاً به هیچ وجه عملی نیست. البته سر جمع مبلغی که باید برای مدارس کشور کتاب خریده شود بسیار کلان است، اما اگر صورت کتابهایی که خریده می‌شود بررسی گردد، آن وقت معلوم خواهد شد چه کتابهایی و از چه دسته ناشرانی به «دژ تسخیرناپذیر» وارد می‌شود.

مسئولان آموزش و پرورش این نکته‌ها را نمی‌دانند؟

– آن قدر این وزارتخانه تحت بمباران افکار و نظریات متضاد است که برآیندشان صفر می‌شود. و چون ما اصولاً در مدیریت سیستم‌ساز ناتوان هستیم، مسائلمان همچنان به قوت سابق باقی می‌ماند.

در همه جای جهان سیاستها با مسأله رو به روست، ولی سیاستمداران موفق در جهان آنهایی هستند که راه حل مسائل را می‌یابند.

– بله، نشر هم مثل همه فعالیت‌های اقتصادی در ایران دچار عارضه است. در ایران بخش خصوصی که مستقل از دولت و متکی بر بازار عرضه و تقاضا باشد و امورش را بگذارند، وجود ندارد. پر بی راه نیست اگر بگوییم بخش خصوصی در ایران عبارت است از: انتقال اموال و سرمایه‌های دولتی به گروهی خاص از طریق مناسبات. به عبارت دیگر دولت فعلی نمی‌گذارد بخش خصوصی قدرتمند و مستقل از دولت و متکی بر ساز و کار بازار به وجود آید. در حقیقت همه ما کارگزار دولت بزرگ هستیم. توجه کنید در همه جای دنیا تولید عبارت از فرآیندی است که ارزشی افزوده ایجاد می‌کند ولی در ایران بر اثر دخالت دولت و وجود رانت سود فروش مواد اولیه به مراتب بیش تر از سود حاصل از تولید است. بر این اساس فروش کاغذ دولتی و فیلم وزینک دولتی در بازار سودآورتر از تولید توانفرسای کتاب است، که بخشی از بیماری نشر نیز همین جاست.



تا جایی که شما را می‌شناسیم، از لحاظ روحی بدبین و نومید نیستید و با شور و علاقه کار می‌کنید. به هر حال وضع نشر کتاب نمی‌تواند به صورت فعلی باقی بماند، شما چه امیدی برای آن سراغ دارید؟

— اگر این طور نبود در زمره اصلاح طلبان نبودم. همه کسانی که محمدجواد مظفر را می‌شناسند، می‌دانند او اصلاح طلب است و اصلاح طلب کسی است که اعتقاد دارد با صبوری و پایداری می‌توان به سمت هدف مطلوب رفت. بنابراین، اعتقاد داریم که اگر تلاش‌هایمان به نتیجه برسد و ساخت سیاسی — اجتماعی بر اثر نگرشها و اقدامات اصلاح طلبانه اصلاح شود، نشر هم به عنوان حلقه‌ای از این زنجیره سیاسی — اقتصادی — اجتماعی اصلاح خواهد شد.

بنابراین نشر و بهبودی آن را تابع عوامل دیگر می‌دانید؟

— عرض من این است که ساختارهایی را می‌توان اصلاح کرد و در شرایط کنونی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با اصلاح ساختارهایش می‌تواند به اصلاح صنعت نشر کشور کمک مؤثری بکند. مثلاً عده‌ای از کارمندان وابسته به حوزه فرهنگ، هر کدام در جیب‌شان یک پروانه نشر دارند و از مواهب سهمیه‌های کاغذ و وام بهره‌مند می‌شوند. اگر وزارت آموزش و پرورش به وضعیت اصلاح خرید کتاب کمک کند، اگر از نظارت بر انتشار کتاب کاسته شود و خواننده اهل

کتاب مطمئن شود کتابی که در دست دارد، آزادانه منتشر شده است، معنایش این است که اصلاحات قابل توجهی به نشر راه یافته است و صنعت نشر رو به بهبود دارد.

از گفته‌های شما این طور فهمیده می‌شود که تحول نشر را در سه دسته جای داده‌اید: اول تحول اقتصادی - اجتماعی و صنعتی است که بتواند بر نشر اثر بگذارد؛ دوم ایجاد تحویلی در کتابخوانی و در نظام آموزش؛ و سوم اصلاح سیاستهای ساختاری موجود.

- فقط یک جمله اضافه کنم. شاید طی ۸ - ۷ سال گذشته عده زیادی از ناشران، به خصوص ناشران عضو اتحادیه، به اشتباه تصور کرده‌اند که مشکل نشر، مشکل توزیع است، ولی من در اینجا اعلام می‌کنم که مخالف این فرضیه هستم.

آیا معتقدید که توزیع کتاب اصلاً مشکل نیست؟

- برای مثال، اگر مشکل نشر را ۱۰۰ واحد فرض کنید، من به مشکل توزیع فقط ۵ درصد بها می‌دهم. اصلاحات ساختاری در نشر مطمئناً می‌تواند به رفع کردن مشکل توزیع کمک کند، اما اگر این مشکل هم حل شود، تأثیر تعیین کننده‌ای بر وضع کل نشر نخواهد گذاشت.

بسیار خوب، اگر از میان ۱۰۰ واحد ۵ واحد را به توزیع کتاب اختصاص دهید، بیشترین واحد را به چه مشکلی اختصاص می‌دهید؟

- به این مشکل که مردم ایران کتاب نمی‌خوانند. ما ناشران، کالایی تولید می‌کنیم که مشتری ندارد. یا حداقل مشتری اش محدود است. اگر مردم کتاب خواندن را جزئی از زندگی خود بدانند، اوضاع نشر طی زمان اصلاح خواهد شد.

از بابت وقتی که در اختیار ما گذاشتید سپاسگزاریم.

